ترجمه مفتاح الفلاح از آقا جمال خوانساری

۴۳

۳۶

آستان قدس

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

۱۳۸۶/۱۰/۲۰

نام کتاب: ترجمه مفتاح الفلاح. کاغذ سکری شیرازی؛ جلد تیماجی با تخته های الوان

مؤلف متن: شیخ بهائی

محشی:

شارح:

مترجم: مترجم آقا جمال خوانساری

تاریخ تحریر: ۱۹ جمادی الاول ۱۱۴۷

نوع خط: نسخ

تعداد سطر: جمعاً ۱۸

جزء کتب: ادعیه

زبان: عربی و فارسی

عدد اوراق: ۱۷۴ ۱۸۰

طول: ۲۰

عرض: ۱۲

شماره عمومی: ۲۶۷۳۸

وقفی / خریداری: خریداری آستان قدس

تاریخ وقف / خریداری: مرداد ۱۳۷۹

ملاحظات:

۱۵×۶/۵

بسم الله الرحمن الرحیم
وبه نستعین

مفتاح فلاح دنیا وعقبی و مقدمهٔ نجاح آخرت واولی حمد و
ثنای بارگاه کبریای کریمی است که دعا را کلید خزاین فضل واحسان
ومفتاح ابواب طول وامتنان ساخته هرکه در شبستان عبادتش
مصباح دعائی افروخت صبح اجابتش پیش از صبح دمید وهرکه در
زاویهٔ مسجد طاعتش بمناجات صبحگاهی برخواست نخستین چهرهٔ
شاهد مقصود خویش دید صحیفهٔ اعمال داعیان در کاهش با برات
امان از راست وجیب در پرواز وسمات اجابت سائلان بارگاهش
واضح ولایح در آغاز رحیمی که به پشت گرمی رحمتش آه سرد کنه کاران
خرمن خرمن وزر وعصیان درهم سوزد عزیزی که بدستگیری
تقویتش تیر دعای مظلومان صد جوشن وخفتان برهم جوزد به
خواندن یک آیة الکرسی صد مطلب بر کرسی نشاند و بیک اشارهٔ
حزب البحر بنیاد گروه ستمکاران باب رساند سیفی را اثری بخشیده
که با ضربت آن جوشن داودی سود ندهد وجوشن را التعویذی

گردانیده

نفس زنده داری

گردانیده که از سیف مصری با آن گزندی رسد در سفک منهج اعدای
دین علوی مصری را قایم مقام ذوالفقار حیدری گردانیده ودر حفظ
ارباب ایمان ویقین حرز یمانی را سد مسدد اسکندری تعالی شأنه
وعظم امتنانه و وسیلهٔ وصول مطالب دارین و ذریعهٔ حصول المقاصد
ثناتین صلوة و درود رسول واجب التکریمیست که نخستین مرتبهٔ
مجد و رفعتش دنی فتدلّی واولین پایهٔ قرب ومنزلتش قاب قوسین
او ادنی طایر بلند پرواز وصفش را آشیان بر شاخ سدرة المنتهی
وکمیت خوش خرام نعتش را میدان ولسوف یعطیک ربک فترضی
برگردیدن آفتاب ببرکت دعای اجابت قرینش کالشمس اذا النجم وفرو
نشستن آتش کدهٔ فارس در شب میلاد سعادت بنیادش
کالنار علی علم تسبیح حصبا در کف معجز نمایکی از معجزات ظاهره اش
بی لراف زیاده از ریگ بیابان است وملازمت ابر بافرق
فرقدان سایکی از آیات باهره اش که بی اغراق فزون از قطرات
باران شکستن طاق کسری هنگام طلوع کوکب سعادت انتما باعث
استهلالی بود ظاهر و شکافتن بدر منیر که باشارهٔ سر انگشت معجز نمایش
مانند آفتاب تابان مشاهده شد وفرو رفتن آب دریا در شب میلاد
میمنت پیرا مقدمه بود لایح از معجزات صافیه که از سرچشمهٔ ید بیضایش

خير الرازقين اللهم اني اعوذ
تو خیر و بهترین روزی دهندگانی خداوندا بدرستیکه
بك من نار تغلظت بها على من
م بتو از آتش که غلیظ گردانیده ازو بر کسی که
عصاك وتوعدت بها من صدف
عصیان کرده است ترا و وعید فرموده بان کسی را برون
عن رضاك ومن نار نورها ظلمة
رفته است از رضای تو و از آتش که نوران تاریکیست
وهينها اليم وبعيدها قريب
و سهلش درد ناک و دور آن نزدیک
ومن نار ياكل بعضها بعض و بعضها بعضا
و از آتش که میخورد بعض از آن را بعض و نسخة الاصل
يصول بعضها على بعض ومن نار
حمله میکند بعض از آن بر بعض و از آتش آتش
تذر العظام رميما وتسقي اهلها حميما ومن
که وا میکند از و استخوانها را پوسیده و آب میدهد اهل خود را
نار لا تبقي على من تضرع اليها ولا ترحم
آب گرم و از آتش که رحم نمیکند بر کسی که فروتنی کند بوی آن و رحم
نمی

من استعطفها ولا تقدر على التخفيف
کسی را که طلب مهربانی کند از آن و قادر نیست بر سبکی کر
عمن خشع لها واستسلم اليها تلقى
از کسی که فروتنی کند مر او را و فرمان بردار گردد از آن آتش
سكانها باحر ما لديها من اليم النكال
ساکنانش را گرمترین آنچه نزد اوست از عقاب و دردناکی و مصیبت
وشديد الوبال واعوذ بك من
سخت سخت و پناه میگیرم بتو از
عقاربها الفاغرة افواهها وحياتها
عقربهای آن که وا کرده اند دهنهای خود را و از مارهای آن
الصالقة بانيابها وشرابها الذي
که میزنند نیشهای خود را و از شراب آن که
يقطع امعاء وافئدة سكانها و
پاره میکند رودها را و دلهای ساکنان آن را و
ينزع قلوبهم واستهديك لما
و میکند دلهاشان را و راه میجویم از تو بسوی آنچه
باعد منها واخر عنها اللهم صل على
دور گردانید از آن آتش را و موخر سازد از آن خداوندا

...د وآله واجرني منها بفضل

بر محمد وآل او و پناه ده مرا ازان آتش غضب خود رحمت

رحمتك واقلني عثراتي بحسن

رحمت خود و درگذران از من لغزشهای مرا به نیکویی

إقالتك ولا تخذلني يا خير المجيرين

درگذشتن تو و خوار مگردان مرا ای بهترین پناه دهندگان

انك تقي الكريهة وتعطي الحسنة

بدرستی که تو نگاه میداری ناخوشی را و عطا میکنی خوبی را

وتفعل ما تريد وانت على كل شيء

و میکنی آنچه میخواهی و تو بر همه چیز بغایت

قدير اللهم صل على محمد وآله اذا

توانایی خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او هرگاه

ذكر الابرار اللهم وصل على محمد و

یاد کرده شوند نیکوکاران خداوندا رحمت بفرست بر محمد و

آله ما اختلف الليل والنهار

و آل او چندانکه تردد کند شب و روز

صلوة لا ينقطع مددها صلوة

رحمتی که بریده نشود مدد آن

صلوة لا احدها...

رحمتی که حدی نباشد ازرا و نه نهایتی ...

خاتمه سزاوار است از برای نمازگذارنده ملاحظه معانی

و دعاهای آن و تعقیبهای آن و آنچه خوانده میشود دران و اینکه نبود

او و دعای او و قراءت او محض حرکت دادن زبان بی ملاحظه معانی که

کرده شده است از انها پس بوده باشد حال او مثل حال عربی که بگوید کلام فارسی را

بی آنکه داند معانی آنچه را میگوید و مثل حال ساهی یا مصروع هرگاه بگوید

چیزی بی آنکه بگذرد معنی او بخاطر او و کافیست در تنبیه نمازگذارنده تحریص

او بر ملاحظه معانی آنچه میگوید در نماز قول خدای تعالی یا ایها الذین امنوا

لا تقربوا الصلوة وانتم سكارى حتى تعلموا ما تقولون یعنی ای

جماعتی که ایمان آورده اید نزدیک نشوید نماز را و حال آنکه مست باشید تا آنکه

بدانید آنچه را میگوید و الله تعالی یعلم و روایت کرده است زین المحدثین از حضرت